

شیوه‌الگوسازی از سبک زندگی شهدا برای نسل جوان با تاکید بر اندیشه امام خامنه‌ای

اعظم تمام زاده^۱

چکیده

آمار شهدای کشور نشان می‌دهد که جوانان زیادی به مقام والای شهادت رسیده، بنابراین شهدا و سیره‌ی آن‌ها می‌توانند الگوی مناسبی برای جوانان این مرز و بوم باشند. بر همین اساس، هدف از انجام این پژوهش بررسی شیوه‌الگوسازی از سبک زندگی شهدا برای نسل جوان با تاکید بر اندیشه امام خامنه‌ای می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ روش انجام پژوهش از نوع مروری-توصیفی می‌باشد که برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی - کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. پس از بررسی این نتایج بدست آمده که اگر جوانان با الگوهای تربیتی و رفتاری شهدا و اهداف آنها آشنا باشند می‌توانند الگوپذیران خوبی در عرصه‌های مختلف از شهدا باشند.

واژگان کلیدی: الگوسازی، امام خامنه‌ای، جوانان، سبک زندگی، شهدا.

^۱ سطح ۲، مدرسه علمیه کوثر

مقدمه

بحث از سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، از جمله مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ما می باشد. از آنجایی که سبک زندگی هر فرد و جامعه ای متأثر از نوع باورها و ارزش های حاکم بر آن فرد و جامعه است؛ جهان بینی مادی و ارزش های لذت گرایانه و سود محورانه، طبیعتاً سبک زندگی خاص را پدید می آورند؛ همان طور که جهان بینی الهی و ارزش های کمال گرایانه و سعادت محورانه، سبک خاصی از زندگی را شکل می دهند؛ به تعبیری دیگر، سبک زندگی هر کسی متأثر از اهداف یا هدف غایی اوست.

ناگفته پیداست که در این زمینه، تضاد جدی بین سبک زندگی غرب و اسلام وجود دارد، به طوری که غرب در سبک زندگی، مقوله لذت را مبنا قرار می دهد و اسلام تقرب به خداوند را اساس قرار می دهد؛ اما متأسفانه جامعه ایرانی علی رغم ایستادگی های آگاهانه روحانیت و برخی مردم دین مدار، با بسیاری از سنن دینی خویش وداع کرده و عرصه را برای غرب زدگی فراهم می نماید، لذا باید متذکر شد که تن دادن به الگوی زندگی غربی، در واقع دوری از شریعت اسلامی است. این اتفاق به سهولت و تا حدی بدون حساسیت در جامعه ما در حال صورت گرفتن است که یکی از ریشه های آن ناآشنایی با الگوی زندگی اسلامی می باشد. بدون تردید، ناهنجاری های جامعه ایرانی را می توان با معرفی الگوهای ناب اسلامی از بین برد. به نظر می رسد، شهدا یکی از بارزترین این الگوها در جامعه ما هستند که برای جوان امروز ناشناخته اند. مبانی سبک زندگی شهدا، همان باورها و اعتقاداتی است که شهید نسبت به خداوند، هستی و انسان دارد. لذا بهترین سبک زندگی، همان راه و روشی است که بزرگان دین با بیانات مختلفی آن را مطرح کرده اند و بسیاری از افراد آن را در زندگی خود به کار بسته اند و آن را نهادینه کرده و برخی نیز با ریختن خون خود به پای این روش، رنگ و بوی زیباتری به آن بخشیده اند، شهدا مصداق بارز این گونه افراد هستند.

در راستای اهمیت ارزش مذکور می توان گفت، عنصر اساسی فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) که آن را از اسلام آمریکایی متمایز می سازد، توجه ویژه و عمیق آن به فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت طلبی است که ریشه در سیره انبیاء و اولیای الهی دارد و اوج آن در واقعه عاشورا و قیام حضرت سیدالشهداء (ع) تجلی یافته است. به نظر می رسد، مردم ایران نیز با ایثار و شهادت در دفاع مقدس و مدافع حرم و با تکیه بر مبانی و باورهای الهی توانستند به پیروزی دست یابند. این مطلب ما را متوجه این موضوع می کند که اگر این ارزش ها و جهان بینی موجبات ظفر و پیروزی آنان را فراهم

کرده، به نسل های آینده نیز منتقل شود تا در رویارویی با تهاجم فرهنگی و غرب زدگی نیز موفق شوند.

بنابراین به نظر می رسد، برای حفظ جامعه در مسیر پیشرفت و خارج نشدن از مسیر کمال و دستیابی به حیات طیبه، باید در ایجاد فضای ایثار و شهادت و مملو از ارزش های انسانی و ترویج آن ها برنامه ریزی کنیم و الگوهای مناسب در این زمینه معرفی نماییم. از آنجایی که غرب به نقش چشمگیر الگوها در انتخاب سبک زندگی پی برده است و از طریق به کار گرفتن تمام امکانات تبلیغی به معرفی الگوهای کاذب و نامناسب می پردازد و در راستای تکمیل نیت پلید خویش، به موازات معرفی این الگوها، سعی بر آن دارد که شخصیت های برجسته جامعه ما را که بهترین مصداق الگوهای برتر هستند از طریق مختلف از دیدرس افراد جامعه خارج سازد؛ و برخی از افراد جامعه نیز به تدریج تحت تأثیر این تبلیغات به الگوهای کاذب و دروغین گرایش پیدا می کنند و در یافتن الگوهای مناسب دچار سرگردانی شده و گاهی الگوهایی را برمی گزینند که با موازین اسلامی همسو نیست و از اصول و ارزش های فکری و دینی آن ها فاصله دارد. لذا برای مقابله با دشمن و حفظ جامعه اسلامی، معرفی الگوهای ناب اسلامی و ترویج باورها و ارزش های آن ها در جامعه ضرورت دارد. به نظر می رسد، شهدا از جمله الگوهایی هستند که سبک زندگی آن ها می تواند بهترین نمونه ملموس و عینی برای جامعه اسلامی باشد. لذا این پژوهش درصدد بررسی شیوه الگوسازی از سبک زندگی شهدا برای نسل جوان با تأکید بر اندیشه امام خامنه ای می باشد.

از آنجایی که مقاله یا کتاب کاملی تاکنون در این زمینه ارائه نشده است و فقط سخنان رهبر عزیزمان در سایت های مختلف به صورت پراکنده در این زمینه وجود دارد لذا در این پژوهش سعی شده است که به بررسی شیوه الگوسازی از سبک زندگی شهدا برای نسل جوان با تأکید بر اندیشه امام خامنه ای پرداخته شود.

مفهوم شناسی

اولین قدم در هر تحقیق، روشن کردن معنای تحت اللفظی موضوع تحقیق است. بنابراین، قبل از پرداختن به موضوع، در مورد واژه الگو و شهید صحبت خواهد شد.

الگو در لغت

مُدِل، سرمشق، مُقْتَدی، اُسُوَه، قدوه، مثال، نمونه^۱. معادل عربی الگو، اسوه است که قرآن، آن را به کار برده و شهرت بخشیده است.^۲

الگو در اصطلاح

اسوه در منابع اسلامی دست کم به سه معنای مقتدا، پی روی کردن و اقتدا نمودن، و سنت و روش آمده است. معادل فارسی آن، الگو و سرمشق است که البته از وسعت معنایی بیش تری برخوردار است؛ زیرا «اسوه» و «قدوه» عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیش تر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می رود. در حالی که واژه «الگو»، علاوه بر این ها، به معنی طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. و اما روش الگویی، روشی است که اساس آن بر محور الگودهی و ارائه نمونه های عینی و عملی بنا شده است. در این روش مربی تلاش می کند نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید مربی قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید.^۳

در علوم اجتماعی، الگوها، شیوه های زندگی نشئت گرفته از فرهنگ است که افراد به طور طبیعی با آنها سروکار دارند و اعمال خود را با این الگوها تطبیق می دهند. مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید مربی قرار دهد. تاثیر رفتار الگو بر مربی، بسیار بیشتر از تاثیر گفتار اوست.^۴

شهید مطهری می نویسد: ما بیش از اندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم. بیشتر اوقات، باید از عمل و چشم استفاده کنیم؛ یعنی خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند. یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم.^۵

^۱ دهخدا، فرهنگ واژه ها، ج ۳، ص ۴۰.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۴۷.

^۳ قائمی مقدم، روش الگویی در تربیت اسلامی، ص ۲۶.

^۴ باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۴۳.

^۵ مطهری، مجموعه آثار، ص ۲۰.

شهید در لغت

شهید و شهادت در لغت به معنای شهود یا حضور است و شاهد و شهید یعنی حاضر و جمع آن شهدا است.^۱

شهید در اصطلاح

کشته شدن آگاهانه و انتخاب گرایانه در راه آرمانی مقدس و پاک که به تعبیر قرآن فی سبیل الله نامیده می شود، شهادت نام دارد و کسی که به چنین مقامی دست یابد، شهید است.^۲

الکوپذیری جوانان از سبک زندگی شهدا از منظر امام خامنه‌ای

در ادامه پژوهش، مواردی که بیشتر در سبک زندگی شهدا جلوه گر هستند، بررسی می شود:

۱. ارتباط با خدا

نخستین و مهم ترین رابطه در دایره ارتباطات انسان، ارتباط وی با خالق خویش است و رابطه های دیگر در ظل این رابطه معنا می یابند. ادیان الهی و به طور خاص دین مبین اسلام رشد و تکامل انسان را منوط به فهم درست او از رابطه ای که با خالق یکتا باید داشته باشد، می دانند. انبیای الهی نیز تلاش می کردند تا انسان ها نسبت خود را با خداوند دریافته و متناسب با این نسبت و رابطه سبک زندگی خویش را مدیریت کنند.^۳

در این راستا، شهدا نیز با تمسک به سبک زندگی برگزیدگان الهی، ارتباط قوی و مداومی با خداوند داشتند، ارتباطی که از جنس عبد و مولا بود و همین ارتباط موجب شد تا به مقام محمود نائل شوند و به خداوند رحمان متصل گردند. این بزرگواران مظهر عاشقانه ترین و عارفانه ترین ارتباط با خداوند بودند و جهت دهی به سبک زندگی اشان بر پایه این ارتباط پی ریزی شده بود. آنان با شناخت و معرفت به حقوق الهی، تمام تلاش خویش را در جهت رعایت این حقوق می کردند و لحظه ای غفلت به خود راه نمی دادند. نمازهای خاضعانه، نیایش ها، دعاها و خلوت هایی که نشان از خشیت بنده در مقابل آفریدگار خویش است، در زندگی شهدا موج می زد و گواهی بر این مدعاست. در ادامه، به بیان برخی از مصادیق رابطه انسان با خداوند پرداخته که در زندگی شهدا جلوه بیشتری دارند، رعایت این مصادیق لازمه سبک زندگی اسلامی می باشد.^۴

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۳۳۹.

^۲ شریعتی، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، ص ۷۳.

^۳ حکیمی و آرام، الحیاء، ص ۳۱۷.

^۴ شریعتی، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، ص ۶.

الف) نماز

نماز در مکتب تربیتی اسلام از جایگاه بالایی برخوردار است؛ و «هیچ عملی از اعمال و افعال با آن قابل مقایسه نمی باشد و اگر خواسته باشیم تعالیم و دستورات دین را درجه بندی نموده و مرتب کنیم، نماز در بالاترین درجه و مرتبه تعالیم دینی قرار دارد و از چنان ارزشی برخوردار است که سایر ارزش های دینی در عرض آن قرار نمی گیرند». در حقیقت می توان گفت همه دین در نماز خلاصه شده است و نماز تجلی واقعی دین می باشد. به همین جهت گفته شده که هرکس اهل نماز نباشد، اهل دین داری نیست و دین دار کسی است که قائم به نماز باشد و شاید به همین خاطر بود که پیامبر (ص) ملاک و معیار بین ایمان و کفر را در نماز قرار دادند و فرمودند کسی که نماز را ترک کند، دین خود را ویران و نابود ساخته است.^۱

نماز و ابعاد گوناگون آن اثر تربیتی قوی در زندگی انسان دارد و مانند مربی می ماند که همواره در کنار مربی خود بوده و نکات لازم و ضروری را به او یادآور شده و او را تربیت می کند و با تربیت صحیح فردی و اجتماعی وی را برخوردار از حیات طیبه فردی و جمعی می نماید. لازم به ذکر است با توجه به این که نماز جزو ارکان اصلی سبک زندگی می باشد و سبک زندگی نیز همان گونه که گفته شد بر پایه مبانی و باورهای اسلامی استوار است، نماز نیز به عنوان رفتاری اسلامی از این مقوله مستثنا نیست. سرچشمه این فریضه الهی مبنای توحید و خداشناسی است و نماز در ظل این مبنا، معنا می یابد، به گونه ای می توان گفت نماز رفتاری از خدا به خداست؛ از خداپاوری نشأت گرفته و به قرب الهی ختم می شود و قطعاً کسی که نماز را به درستی درک کند و آن را به جا آورد و پیام های آن را در زندگی روزمره خویش بکار گیرد، خوشبخت و سعادتمند در حیات دنیوی و اخروی خود خواهد بود. مبنای بعدی که بر نماز سایه افکنده اعتقاد به نبوت و امامت است. فردمسلمان وقتی اهتمام پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را به برپایی نماز می بیند، به الگوبرداری از این عمل عبادی می پردازد؛ و در سایه این اعتقاد، هرگز دست از نماز برنمی دارد.^۲

شهادت از جمله کسانی بودند که بامعرفت به مبانی اعتقادی اسلام، به خوبی اهمیت نماز را درک کرده و با تمسک به آن راه زندگی خویش را پیدا کردند. آنان قبیله ای از بندگان خاص خداوند بودند که در فضای روحانی و ملکوتی نماز، خویشتن خویش را دریافتند و بیدار کردند و همه زندگی روزمره خود را در ارتباط با نماز هماهنگ و همسو ساختند و این گونه از پلیدی ها و آلودگی های دنیای

^۱ خلیلی، نقش نماز در شخصیت جوانان، ص ۱۳۸.

^۲ نبی نژاد، آثار عجیب نماز، ص ۱۶۳.

دون مصون ماندند. آنان در هیچ شرایطی حاضر نبودند، دست از نماز و نیایش بردارند و این سماجت آن‌ها دلالت بر این داشت که حقایق نماز برایشان روشن شده بود و عشق به محبوب چنان آنان را غرق کرده بود که هر چیز دوست داشتنی را در مقابل ذات حق هیچ می دانستند. این بزرگواران مقید به نماز اول وقت و جماعت بودند و نماز شب و نماز جمعه نیز جزو اصلی و اساسی سبک زندگی آنان بود.^۱

جوانها اگر از حالا عادت کنند به نماز خوب، وقتی به سن ماها رسیدند، نماز خوب خواندن برایشان دیگر مشکل نیست. در سنین ما آدمی که عادت نکرده باشد به نماز خوب، نماز خوب خواندن ممکن است، اما مشکل است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به اینکه خوب نماز بخواند؛ یعنی نماز با توجه - نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نماز با توجه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف بزند - آن وقت این سجه‌ی او میشود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همین‌جور خوب نماز میخواند.^۲ در محیط دانشجویی جوان، پرداختن به سبک زندگی شهدا و نحوه نماز خواندن آنان و الگوبرداری از آنان، پرداختن به معارف دینی، پرداختن به الگوهای دینی، توسلات به پروردگار، توسلات به ائمه (علیهم السلام)، خواندن دعای عرفه، برگزاری مراسم اعتکاف و خواندن نماز جماعت، بسیار خوب است. البته این را هم عرض بکنم؛ در مراسم مذهبی به روح مراسم توجه کنید؛ فقط صورت سازی نباشد؛ انسان شعری بخواند، اشکی بگیرد یا بریزد. روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها. نماز را با توجه و اول وقت بخوانید. تحجر بد است؛ فکر نکردن در لایه‌های زیرین ظواهر، عیب بزرگی است؛ مواظب باشید به این عیب دچار نشوید.^۳

ب) تلاوت قرآن و انس با آن

خداوند یکتا برای هدایت انسان در صراط مستقیم، کتاب زندگی سعادت بخش را قرار داده و آن را به وسیله پیامبر اکرم (ص) به همه بندگان خود ابلاغ نموده است. «قرآن کتاب هدایت و بیداری، تزکیه و تعلیم، رحمت، موافق فطرت و پاسخگوی نیازهای کمال جویی انسان است. قرآن آخرین برنامه الهی است که برای بشر آمده است». از آنجایی که «قرآن کتاب چگونگی تکامل بشر است،

^۱ رستمی نسب، نماز، معراج شهید، ص ۱۶۵.

^۲ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۷/۰۸/۲۹.

^۳ همان، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹.

کتاب تربیت است که درس معنویت، استواری در راه هدف، نشر معرفت و دانش، پایداری و تعهد شناسی نهضت و پیروزی، عزت و برتری، تفکر و تدبیر و عمل، خودسازی و خودباوری، جهاد با نفس، شیوه های مقابله با کج روی ها و مفاسد و هزاران مسئله دیگر را به انسان می آموزد و قلب های مریض را درمان می کند و توان تشخیص حق و باطل را انسان می دهد.^۱

باید گفت تلاوت و انس با قرآن از باور به خداشناسی و توحید نشأت می گیرد و به انسان سمت و سوی خدایی می بخشد. متقین قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند و با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند. وقتی به آیه ای می رسند که تشویقی در آن است با شوق و طمع بهشت به آن روی می آورند و با جان پر شوق در آن خیره می شوند و گمان می برند که نعمات بهشت در برابر دیدگان شان قرار دارد و هرگاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش در گوششان طنین افکن است. پس قامت خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده و از خدا آزادی خود از آتش جهنم می طلبند.^۲ گویی شهدا تقوا پیشگانی بودند که به این شکل با قرآن انس داشتند، آنان بامعرفت به مبانی اسلامی همچون خداشناسی و اعتقاد به معاد، دست دوستی به سمت قرآن دراز کرده بودند و هیچ کس و هیچ چیز نمی توانست این دوستی را به هم بزند. این بزرگواران قرآنی فکر می کردند و قرآنی عمل می نمودند و سبک زندگی اشان تجلی زیستن به شیوه قرآنی بود. آنان خود را مقید کرده بودند که هر روز آیاتی از قرآن با تدبیر در معانی آن قرائت کنند و تنها به این خواندن اکتفا نمی کردند، بلکه سعی بر آن داشتند که اهل عمل به آیات باشند.^۳

واقعیت تلخ این است که قرآن هنوز در جامعه ی ما، یک امر عمومی نشده است. همه به قرآن عشق میورزند و احترام می کنند؛ اما عده ی کمی همواره آن را تلاوت و عده ی کمتری در آن تدبیر می کنند. برای رفع این نقیصه که کاری ممکن و روان است، در گام اول باید جوانان و نوجوانان را با متن و ترجمه ی قرآن آشنا کرد و از شربت گوارا و حیاتبخش قرآن، به ذائقه ی آنان چیزی چشاند. اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده ای باید در اوج قرار گیرند - مثل همه چیز دیگر - همین طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه ها، بین بچه ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی

^۱ حکیمی و آرام، الحیاء، ص ۱۲۶.

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

^۳ اسکندری، آیه های زندگی، ص ۴۶.

قهرمانان قرآنی را احترام کنید. می توان از زندگی شهدا بهره گرفت و با خواندن خاطرات شهدا و تعریف کردن آنها برای جوانان آنان را به تلاوت قرآن مشتاق ساخت.^۱

(ج) یاد اهل بیت (ع) و ابراز محبت و دوستی با آنان

در نظام تربیت دینی محور و کانون همه محبت ها، حب و مهرورزی به حضرت حق است و سایر محبت ها باید بر محور این کانون قرار بگیرند. به بیانی دیگر بر اساس تربیت دینی در نظام هستی، محبت مختص خداست و جایز نیست که انسان نسبت به موجودات دیگر در عرض محبت خدا مهر بورزد، بلکه سایر محبت ها باید در طول محبت خدا باشد و از سوی حضرت حق مورد تأیید قرار گرفته باشد. لذا انسان باید سفره دل خویش را در محضر محبوب هایی بگشاید که خیرخواه و دوستدار رسیدن او به کمال حقیقی اند که اهل بیت (ع) در زمره کامل ترین مصداق های چنین محبوب هایی هستند. در حقیقت اهل بیت (ع) از آن جهت شایسته مهرورزی اند که حلقه ارتباط انسان با خدا و آورنده پیام های نجات بخش و کمال آفرین از سوی حضرت حق اند. بنابراین بادی گفت یکی از مولفه های اساسی سبک زندگی ابراز محبت و دوستی با اهل بیت (ع) می باشد و فرد مسلمان می تواند از راه های متفاوت در زندگی خویش، محبت صادقانه اش را به این بزرگواران نشان دهد.^۲

انسانی که نسبت به اهل بیت (ع) شناخت و معرفت پیدا کرده است این شناخت مقدمه ای برای محبت و دوستی او می باشد و این عشق به طرق مختلف ابراز می شود و جزو جدانشدنی از زندگی یک مؤمن می گردد. در این راستا، شهدا از جمله کسانی بودند که بامعرفت به مبانی خداشناسی و امامت، محبت و توسل به اهل بیت (ع) را فرا راه حرکت تکاملی خویش قرار دادند و این گونه چراغ دل را از نور حکمت حکیمان طریق حقیقت روشن ساختند و ظرف های جان را در زلال چشمه های حکمت این بزرگواران که مبری از هر گونه آلودگی بود، لبریز نمودند و معتقد بودند که در پرتو هدایت اهل بیت (ع) کاروان انسانیت به سرمنزل مقصود خواهد رسید. ارتباط قلبی که شهدا با اهل بیت (ع) برقرار نمودند، مثال زدنی است و همین ارتباط موجب گردید که به قله های رفیع کمالات معنوی و انسانی دست یابند، رابطه ای که عمقی به ژرفای دریا و لطافتی به نرمی نسیم بهاری و ثمری به شیرینی بهشت داشت. این محبت مسلماً یک طرفه نبود و به همین دلیل همچون عاملی کارگشا و سازنده در زندگی این بزرگواران رخ می نمود و موجب گردیده بود که در تمام زندگی و

^۱ امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.

^۲ خادمی، محبت به پیامبر و اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۳۴.

چالش های فراروی خود دست توسل به دامن اهل بیت (ع) بزنند و همواره از فیض وجود و عنایت ایشان برخوردار باشند. آنان به خوبی درک کرده بودند که لازمه محبت و مودت اهل بیت (ع) پوشیدن جامه تقواست، و گرنه دلی پر از شوق گناه را چطور می توان جایگاه و ظرف محبت اولیای الهی قرار داد.^۱

اگر محبت اهل بیت (علیهم السّلام) و عشق جوشان به این عناصر الهی و ربانی نمی بود، مسلماً جریان شیعه با همه ی معارف مستحکم آن، در طول زمان و تاریخ، در میان این همه دشمنی باقی نمی ماند. این عواطف را، این شور محبت را نباید دست کم گرفت. یقیناً منطق در به کرسی نشاندن سخن حق تأثیر زیادی دارد و بدون پشتیبانی منطق و حکمت، هیچ حقی را نمیشود بر پا نگه داشت؛ اما گسترش گرایش به حق، بقای این حق ماندگار در طول تاریخ اسلام، جز با محبت، با مودت، با پیوند قلبی و عاطفی، امکان پذیر نبود. لذا شما ملاحظه کنید؛ از اول اسلام تا امروز، پیوند فکری و عقلانی همراه بوده است با پیوند عاطفی و قلبی. یکی از عواملی که میتواند محبت اهل بیت را در دل جوانان ایجاد کرد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل بیت در دلها و در روح های جوانان؛ و یکی از راه ها الگوسازی سبک زندگی شهدا برای جوانان می باشد.^۲

۲. ارتباط با خود

بعد از ارتباط با خدا، رابطه انسان با خود از مهم ترین و پیچیده ترین و دقیق ترین روابط به شمار می آید. انسان از آن جهت که موجودی خودآگاه است، قدرت ایجاد ارتباط با خویشتن را داراست. این ارتباط به معنای پیوند و رابطه او با حقیقت و جایگاه و منزلت خود در نظام هستی و قابلیت ها و توانایی های خویش می باشد. در ارتباط انسان با خود، انسان به عنوان موجودی خودآگاه یک طرف رابطه و خود واقعی و حقیقت وجودی اش که مورد عنایت و توجه او قرار می گیرد. طرف دوم رابطه می باشد. این رابطه بر دو پایه خودشناسی و خودسازی استوار می گردد؛ یعنی انسان با خودشناسی می تواند خود و استعداد های خویش را بشناسد و سپس بر اساس آن خود را بسازد و مسیر حرکت خویش را به سوی کمال مطلوب جهت بخشد.^۳

^۱ فکوری، روز تیغ (خاطرات شهید علی ماهانی)، ص ۹۴.

^۲ امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳/۰۳/۱۳۸۹.

^۳ آل بویه، ارتباط با خود، ص ۲۰۱.

در این راستا، شهدا از جمله انسان هایی بودند که موفق ترین ارتباط با خود را در سایه ارتباط با خداوند برقرار نمودند. آنان خوب می دانستند که برای خدایی شدن باید از خود شناخت کافی و لازم را داشته باشند تا بتوانند با آگاهی بر نقاط ضعف و قوت خویش، در جهت اصلاح ضعف ها و شدت بخشیدن به قوت ها گام بردارند. شهدا نه تنها طلایه داران جهاد اصغر در میدان نبرد با دشمن بودند، بلکه در جهاد اکبر و روبرویی با نفس خویش نیز عالی عمل کردند. همه سعی و تلاش این بزرگواران آن بود که در تمام امورات زندگی خویش، غذا خوردن، لباس پوشیدن، تفریح و سرگرمی، کسب و کار، علم و دانش و ... خدایی عمل کنند و بر روی خواش های نفسانی خویش پا بگذارند؛ و این نشان از درک آنان از مقام والای انسانیت و جایگاه خویش در نظام هستی می داد. در ادامه به برخی از مصادیق رابطه انسان با خود اشاره شده است.

الف) تحصیل علم و دانش

امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست. همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می شمردند. لکن بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسان ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است. به طوری که اگر گفته شود دین اسلام، دین دانش و آموزش برای زندگی سعادت‌مندانه دنیوی و اخروی بشر است، سخنی به ناحق گفته نشده است. اهمیت علم و دانش در اسلام به قدری است که نخستین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) در غار حرا نازل شده است، درباره علم و دانش است.^۱

از این رو شهدا از جمله کسانی بودند که در زندگی خود به تحصیل علم و دانش اهمیت فراوانی قائل می شدند. آنان در رشته های مختلف علمی بانگیزه الهی و توحیدی تحصیل می کردند و معتقد بودند که از نظر علم باید از همه برتر باشند تا مبدا دشمنان از این طریق بر آنان مسلط شوند. از طرفی نیز با کسب علم و دانش بر خضوع و خشوع خود در برابر عظمت خداوند می افزودند و با علم، پلی می زدند به سمت خدا. بسیاری از این بزرگواران حتی در ۸ سال دفاع مقدس نیز کسب علم و دانش را تعطیل نکردند و کتاب های خود را به جبهه آورده بودند. در حقیقت گویی شهدا به خوبی درک کرده بودند که هیچ گنجی سودمندتر از کسب علم نیست.^۲

^۱ حیدری، تطبیق توصیه های تربیتی شهدا به والدین و فرزندان با آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، ص

^۲ تجار، ستاره من (خاطرات شهید حمید عرب نژاد)، ص ۵۲.

در بررسی همه‌ی نهضت‌های اجتماعی و تغییرات بنیادین جوامع، می‌توان بر این اصل صحه گذاشت که همواره یکی از اقشار تأثیرگذار در این جریان‌ها، جوانان بوده‌اند و در میان جوانان نیز دانشجویان از تحرک بیشتری برخوردارند. اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. لذا برای الگوسازی جوانان و دانشجویان می‌توان از زندگی شهدا و وصیت نامه آنها بهره گرفت.^۱

(ب) لباس و پوشش

یکی دیگر از مصادیق سبک زندگی در ارتباط با خود، آداب و روش پوشش و نوع لباس است. اسلام به این امر اهمیت فوق‌العاده‌ای داده، به طوری که رعایت پوشش صحیح مرد و زن از شاخصه‌های اصلی سبک زندگی اسلامی می‌باشد. با یک بررسی کوتاه در میزان پوشش مردم جهان می‌توان دریافت که هر جا اسلام نفوذ کرده است، نحوه پوشش مسلمانان تأثیر فراوانی بر چگونگی پوشش پیروان ادیان الهی و مذاهب و فرهنگ‌ها داشته است. کسانی که امر پوشش را پیش پا افتاده تلقی کرده‌اند و آن را یک موضوع تربیتی از طرف پروردگار نمی‌دانند، سخت در اشتباه‌اند. اسلام به هر جا که وارد شده به آنان یادآوری کرده که ستر عورت و پوشش واجب است و باید دانست که ساده انگاشتن امر لباس و پوشش از سوی دشمنان اسلام ترویج می‌شود.^۲

در این راستا، شهدا مصداق انسان‌های وارسته‌ای هستند که پوشش‌های آراسته و در عین حال ساده را برتن می‌کردند و از پوشیدن لباس‌هایی که ترویج دهنده لباس بیگانگان بود و هیچ سنخیتی با اعتقادات و باورهای آنان نداشت پرهیز می‌نمودند. یکی از سفارشات و توصیه‌هایی که مکرراً در وصایای شهدا دیده می‌شود رعایت حجاب اسلامی به جوانان است. به طوری که این بزرگواران معتقد بودند که حجاب زنان از خون آنان ارزشمندتر و رنگین‌تر می‌باشد و آن را مجوزی برای ورود زنان به بهشت می‌دانستند.^۳

انسان در دوران جوانی خیال میکند دنیا ثابت است، ساکن است، همیشه همین جور است؛ به سن ما که رسیدید، یک نگاه میکنید، می‌بینید دنیا عجب سریع می‌گذرد. هم برای حفظ عزت کشور

^۱ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴.

^۲ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۶۸.

^۳ فکوری، گردان عشق (خاطرات شهید احمد شول)، ص ۴۸.

و پیشرفت کشور، وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیدات و پابندی را جوانان باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است. در حالی که ملاحظه‌ی عفاف، ملاحظه‌ی حدود شرعی در رفتار و حرکات جوانان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود جوانان خیلی باید مراقبت کنند مسئله‌ی حجاب را، مسئله‌ی عفاف را؛ وظیفه‌ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست. از این رو جوانان می‌توانند از سبک پوشش شهدا الگوسازی کنند زیرا آنها همواره پوشش‌های آراسته و ساده بر تن داشتند و لباسی که برخلاف باورهای اسلام و کشور بود بر تن نمی‌کردند.^۱

(ج) کسب و کار

مسئله معیشت و مسائل مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین و پایدارترین مسائل بشری است. هیچ‌کس نیست که به نوعی دغدغه معیشت را نداشته باشد. به طوری که داشتن شغلی آبرومند و درآمدی مناسب شرط لازم داشتن یک زندگی خوب و موفق است. بیکاران هرچند از نظر اقتصادی نیازمند نباشند، بازهم انسان‌های موفق تلقی نمی‌شوند. در حقیقت کار کردن و داشتن شغلی آبرومند نه تنها وسیله‌ای برای امرار معاش و تأمین مایحتاج مادی زندگی است، بلکه از عوامل بسیار مهم در احساس شخصیت، عزت، استقلال و اعتماد به نفس است. کسانی که با حاصل دسترنج خود امرار معاش می‌کنند، در باطن احساس افتخار و عزت و سربلندی دارند و خود را یک عضو فعال و تأثیرگذار می‌دانند. در مقابل بیکاری موجب یأس و سرخوردگی و احساس ضعف می‌شود.^۲

شهدا طایفه‌ای از بندگان خاص خداوندند که کار و تلاش با تار و پود زندگی‌شان گره خورده بود. آنان سعی می‌کردند، در این زمینه نیز از خواسته‌ها و دستورات الهی پیروی نمایند و هویتی الهی به کار خویش ببخشند و کسب و کار خود را مورد قبول خداوند قرار دهند. این بزرگواران دائماً در کار و تلاش بودند و خوب می‌دانستند که کار روح و فکرشان را از هر هرزگی باز می‌دارد. آنان به کار همچون معلمی نگاه می‌کردند که بر تجاربشان می‌افزاید و معتقد بودند کار هم اثر مادی دارد و هم اثر معنوی و آن را در جهت تهذیب خود به کار می‌گرفتند.^۳

^۱ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مداحان، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳.

^۲ شریفی، همیشه بهار، ص ۲۷۱.

^۳ سیف الدینی، نذر قبول (خاطرات شهید محمود اخلاقی)، ص ۱۱.

دامنه سبک زندگی گسترده تر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنیم. باید تلاش کنیم تا در تمام حوزه ها فرد موفق باشیم و برای کسب موفقیت لازم است از الگوهای درستی پیروی کنیم. بهترین الگویی که می‌تواند کمک کار ما باشد و سبک خوبی از زندگی را برای ما رقم بزند، سبک زندگی شهداست. جوانان در زمینه معیشت و کسب و کار نیز فرصت‌ها را دریابید و زندگی شهدا را الگوی خود قرار دهید تا زندگی بهتری داشته باشید چون زندگی غربی در نهایت به پوچی و تباهی ختم می‌شود.^۱

۳. ارتباط با دیگران

معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان به شمار می‌رود تا جایی که به عقیده بسیاری از فیلسوفان آدمیان مدنی الطبع اند؛ یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد و در اجتماع زیست کند. هر دیدگاهی که درباره علت زیست اجتماعی انسان داشته باشیم، مسلم است که هیچ انسانی در شرایط عادی به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد. انسان در اجتماع به دنیا می‌آید و در اجتماع است که می‌تواند باقی بماند و کیفیت زندگی خود را ترقی دهد. در واقع آدمیان نه تنها برای آغاز حیات خود به دیگران نیازمندند، بلکه در همه مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج‌اند.^۲

در این راستا شهدا از جمله انسان‌هایی بودند که با برقراری ارتباط محکم و عاشقانه و عارفانه با خداوند به سایر ارتباطات خود از جمله ارتباط با دیگران رنگی الهی بخشیدند. این بزرگواران با تمسک به سخن مولایشان امیرالمؤمنین (ع) که هر کس رابطه میان خود و خدا را نیکو سازد، خداوند رابطه او را با مردم نیکو می‌سازد، اوج احترام به حقوق دیگران را به نمایش گذاشتند. آنان در دایره این ارتباط، بر منیت‌های خویش پای گذاشته و از بذل مال، وقت، عاطفه و در نهایت جان خویش برای دیگران و به هدف تقرب الهی فروگذار نکردند. همه تلاششان آن بود که در جزئی‌ترین موارد ارتباط با دیگران، حق کسی پایمال نشود و این ارتباط پلی شود برای رسیدن به مقام قرب الی الله؛ و این‌ها موجب شده بود که هر کس با شهدا در ارتباط بود، محبت و علاقه زیادی به این بزرگواران پیدا کند. ذیلاً چند مؤلفه مهم از ارتباط با دیگران که در عین حال مصادیقی از سبک زندگی نیز تلقی می‌شوند و در زندگی شهدا چشمگیرتر هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی، ۱۳۹۷/۰۷/۰۸.

^۲ شریفی، همیشه بهار، ص ۱۹۸.

الف) نیکی به والدین

یکی از مهم ترین رفتارها در ارتباط با دیگران نیکی و احترام به پدر و مادر است. همه انسان ها در هر رتبه و شرایطی که باشند مدیون پدر و مادر خویش هستند فرزندان در ارتباط با والدین باید توجه کنند که این رابطه مهم ترین نوع رابطه ای است که دو انسان می توانند با یکدیگر داشته باشند. والدین از علل وجودی فرزند به شمار می آیند یعنی فرزند وابستگی وجودی به والدین خود دارد. این رابطه یک سویه است زیرا فرزند هرگز نمی تواند علت وجودی پدر و مادر خود باشد یعنی وجود پدر و مادر وابسته به وجود فرزند نیست. به همین دلیل حقوق والدین بر فرزند به مراتب بیش از حقوق فرزند بر والدین است و در نتیجه مسئولیت های او در قبال پدر و مادر قابل مقایسه با مسئولیت والدین در برابر او نیست. لذا می توان گفت احترام و نیکی به پدر و مادر حقی انسانی است.^۱

در این راستا می توان شهدا را به عنوان برجسته ترین الگوهایی معرفی کرد که در احترام به پدر و مادر اهتمام ویژه ای داشتند. اکرام والدین، توجه ویژه به آنان، تلاش در جهت تأمین نیازهایشان، دعا برای آنان، نرمی و نیکویی در سخن گفتن با والدین و امثال این رفتارها از اموری بود که شهدا هم خود در مقابل پدر و مادر انجام می دادند و هم دیگران را نسبت به آن سفارش می نمودند. آنان به پدر و مادر خویش به دیده یکی از بزرگ ترین نعمات الهی نگاه می کردند و معتقد بودند که قادر به شکرگذاری خداوند در مقابل این نعمت عظیم نخواهند بود. خدمت به والدین به عنوان وسیله ای برای تقرب این بزرگواران به خداوند قرار گرفته بود. چرا که آنان خوب درک کرده بودند که احترام به والدین در حقیقت احترام به خداست و این رفتار از مبنای خداواری و اعتقاد به نبوت، امامت و معاد آنان سرچشمه می گرفت.^۲

جوانی، یک پدیده درخشان و یک فصل بی بدیل و بی نظیر از زندگی هر انسانی است. در این مسیر باید مراقب بود که حتی از گفتن (کمترین بی احترامی به پدر و مادر) بپرهیزیم. در حقیقت باید گفت در سبک زندگی اسلامی، وظیفه هر مسلمان این است که به پدر و مادر خویش نیکی کند. با آنان بهترین رفتار را داشته باشد، بلکه باید نهایت تلاش در گرمی داشت آنان داشته باشد. به گونه ای که بال و پر مهربانی و محبت برای آنان بگستراند و شایسته نیست هیچ گونه کوتاهی در خدمتگزاری به این بزرگواران بنماید. بعضی کسان نسبت به نسل جوان ایرانی، از لحاظ اعتقادات و

^۱ شریفی، همیشه بهار، ص ۲۵۸.

^۲ رستمی نسب، فرزندگان کوی دوست، ص ۱۰۷.

از لحاظ ایمان، به‌طور افراطی دچار قضاوت‌های غلط و انحرافی هستند. من اعتقاد این است. کاوشها هم همین را نشان می‌دهد که جوان ایرانی، جوانی است مؤمن، پاکدامن، پاک گوهر، دارای زمینه‌های دینی بسیار زیاد و مایل به جنبه‌های معنوی. البته توقعی که ما از یک جوان داریم، با توقعی که از یک آدم مسنِ جافتاده قوا از دست داده داریم، به‌کلی متفاوت است. جوانان ایرانی - چه دخترانش، چه پسرانش - هم از لحاظ امکانات روحی، معنوی، ذهنی و هم از لحاظ امکانات ایمانی، در حد بسیار خوبی هستند. این امر، مسؤولیت بزرگی را بر دوش مسؤولان می‌گذارد و باید در زمینه‌های مختلف برای جوانان الگوسازی کنند یکی از این الگوها می‌تواند نشان دادن سبک زندگی شهدا به جوانان باشد.^۱

ب) امر به معروف و نهی از منکر

از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام و بارزترین مشخصه‌های سبک زندگی در ارتباط با دیگران، امر به معروف و نهی از منکر است و اسلام و اولیای دین همه تلاش خود را در جهت عملیاتی کردن و نهادینه نمودن این رفتار اسلامی به عمل آورده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر بر خلاف برخی دیگر از احکام دینی و اخلاقی وظایفی عام هستند. این دو وظیفه اخلاقی از جهات مختلف عمومیت دارند: اولاً همه مسلمانان از زن و مرد و کوچک و بزرگ مشمول این وظیفه‌اند. ثانیاً این حکم در همه زمان‌ها قابل اجراست. با توجه به مراتب و مراحل مختلفی که امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ یعنی مرحله قلبی، گفتاری و عملی روشن است که هیچ قدرتی در هیچ زمانی نمی‌تواند از امر به معروف و نهی از منکر قلبی جلوگیری کند. ثالثاً نسبت به همه افراد نیز قابل اجراست؛ یعنی این فریضه صرفاً متوجه فرد یا افراد خاصی نیست، بلکه همه افراد جامعه را دربرمی‌گیرد، حتی حاکمان و قدرتمندان را. رابعاً همه احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را شامل می‌شود از مسائل فردی و جزئی گرفته تا مسائل اجتماعی و کلی.^۲

شهدا از جمله آمران به معروف و ناهیان منکری بودند که در هیچ شرایطی حاضر به ترک این فریضه الهی نمی‌شدند. آنان چنان اهتمامی به این رفتار اسلامی داشتند که مثال زدنی و شگفت‌انگیز است. در جهت اقامه این فریضه، برایشان فرقی نداشت که یک کارگر ساده را از منکر بر حذر دارند یا یک مسئول کشوری را. هر جا که می‌دیدند امکان تأثیرگذاری وجود دارد از هر وسیله‌ای برای امر به معروف استفاده می‌کردند و از آن جایی که خود عامل به معروف در سبک زندگی خویش

^۱ امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱.

^۲ شریفی، همیشه بهار، ص ۲۲۵.

بودند، میزان اثرگذاری این بزرگواران بر روی دیگران چشمگیر بود. به طوری که فقط کافی بود چند روز در بین جمعی نشست و برخاست کنند و به زندگی عادی خود بپردازند، غیرممکن بود که آن جمع تحت تأثیر این بزرگواران در سبک زندگی خویش تغییری ایجاد نکنند. چرا که حرفی که از دل برآید مسلماً بر دل می نشیند.^۱

همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند امروز امر به معروف و نهی از منکر، هم مسئولیت شرعی و هم مسئولیت انقلابی و سیاسی شماسست. مسئله امر به معروف و نهی از منکر مثل مسئله نماز یاد گرفتنی است و شما جوانان باید بروید و مسائل آنرا یاد بگیرید در هر مورد اینکه کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد مسائلی وجود دارد. اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای جوانان روشن بشود معلوم خواهد شد یکی از نوین ترین، شیرین ترین، کار آمدترین و کار سازترین شیوه های تعامل اجتماعی همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی ها دیگر در نمی آیند بگویند «آقا این فضولی کردن است»، نه این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است، این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه اسلامی گناه بماند، بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه گناه به عنوان صواب معرفی بشود، کار خوب بعنوان کار بد معرفی بشود و فرهنگ ها عوض بشود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد این موجب می شود گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به صواب و کار نیک نشود. یکی از وظایف شهدا همین امر به معروف و نهی از منکر بود که می توان آن را برای جوانان الگوسازی کرد.^۲

ج) ایثارگری و فداکاری

یکی از معنوی ترین رفتار و عمل در ارتباط با دیگران ایثار و فداکاری است. ایثار نیز مانند سایر مباحث رفتاری در طول تاریخ دیدگاه های گوناگونی را برحسب نوع مبانی فکری و اعتقادی، جهان بینی و ایدئولوژی به سوی خود جلب کرده است و همواره با حیات فردی و اجتماعی انسان ها عجین بوده و در ابعاد گوناگون و شرایط مختلف زمانی و مکانی این حیات جریان داشته است. می توان گفت ایثار از پرشکوه ترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و از رفتارهای پسندیده انسانی به شمار می آید که هر جامعه ای مورد قبول است. دین به عنوان روشن ترین و حقیقی ترین چراغ زندگی بشریت در ایجاد و گسترش و تبلور ایثار نقش به سزایی ایفا کرده، به گونه ای که در اصول

^۱ فکوری، روز تیغ (خاطرات شهید علی ماهانی)، ص ۲۱.

^۲ امام خامنه ای، بیانات در جمع کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.

مکاتب دینی از ایثار نه تنها به عنوان طعمه و قربانی و کشورگشایی استفاده نشده، بلکه ایثار بستری گردیده برای صعود به پله های نورانی ایمان و سیر در منازل آسمانی کشف و شهود. در این میان دین اسلام به این مقوله اهمیت بیشتری داده است و در آیات و روایات بشماري آدمیان را به ایثار و فداکاری تشویق و ترغیب می کند.^۱ مظهر کمال این نوع ایثار را می توان در وجود خداپاورانی یافت که عباس گونه از همه چیز خود گذشتند و با نثار هستی خویش، به تقرب الهی دست یافتند. آنان کسانی نیستند جز شهدا که ایثارشان پیوند دهنده آن ها به خدا بود و بستری شد برای فراخ شدن سینه تپنده اشان و رسیدن به منازل و مقامات عالی عرفانی. شهدا متخلق به انواع ایثار در زندگی خود بودند و با ایثار مال و جان اوج ایثار و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشتند.^۲

ما امروز یک نسل نوی شاداب تازه به میدان وارد شده ای را در کشور خودمان داریم که باید از این تجربه ها استفاده کند. از تجربه میدان جنگ که ایستادگی در آن، شهادت و جانبازی و محرومیت از سلامتی و دوری از خانمان و راحتی و فرزندان و عزیزان را داشت، باید استفاده کند. هزاران سختی در میدان جنگ هست که فقط برای کسی که در آن شرایط قرار دارد، قابل لمس است، و لاغیر.^۳

^۱ اسماعیل پور، ایثار و عرفان، ص ۱۵.

^۲ سیف الدینی، نذر قبول (خاطرات شهید محمود اخلاقی)، ص ۵۶.

^۳ امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدا، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.

نتیجه گیری

در این ظلمت آباد که مدعیان هدایت انسان، او را در میان گرد و غبار جهل و الحاد سرگردان کرده اند، تشخیص آب از سراب و راه از بیراه بسیار دشوار است، اما بدون شک برنامه ای مطمئن تر از قرآن و تفسیری صادقانه تر از فهم عترت و کلاسی غنی تر و عمیق تر از محضر درس اهل بیت (ع) که اسوه های ایمان و اخلاق و الگوهای ناب سبک زندگی هستند، برای بشریت وجود ندارد. شهدا این را به خوبی درک کرده بودند و در دریای گوهر خیز اسلام شنا کرده و لؤلؤ و مرجان به کف آورده و در سفینه فقاقت ریختند و این گونه هست که امروز راهنمای گمشدگان در وادی حیرت اند و سبک زندگی اشان تجلی از سبک زندگی اسلامی است و بر ماست که آنان را الگوی خویش قرار داده و با تبعیت از شیوه زیستنشان خط مشی حیات خود را صحیح ترسیم نماییم. فقط باید یک نکته را بنا به فرمایش مقام معظم رهبری فراموش نکرد که ایشان فرمودند: باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آن هاست و می توان گفت یکی از حدود و ثغور این کار معرفی و ترویج الگوهای ناب از سبک زندگی اسلامی همچون شهدا می باشد. امید آن است که ترویج این الگوها، گامی در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد.

منابع

نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. اسکندری، حسین، **آیه های زندگی**، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۳. اسماعیل پور، محمدمهدی، **ایثار و عرفان**، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۵.
۴. آل بویه، طاهره، **"ارتباط با خود"**، نامه جامعه، ۱۳۸۸.
۵. امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷.
۶. امام خامنه ای، بیانات در دیدار دست اندرکاران کنگره ملی ۶۲۰۰ شهید استان مرکزی، ۱۳۹۷/۰۷/۰۸.
۷. امام خامنه ای، بیانات در دیدار مداحان، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳.
۸. امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۹/۰۳/۱۳.
۹. امام خامنه ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴.
۱۰. امام خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۷/۰۸/۲۹.
۱۱. امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹.
۱۲. امام خامنه ای، بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۰۱.
۱۳. امام خامنه ای، بیانات در جمع کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
۱۴. امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده های شهدا، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.
۱۵. باقری، خسرو، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۸.
۱۶. تجار، راضیه، **ستاره من (خاطرات شهید حمید عرب نژاد)**، کرمان: نشر لشگر ۴۱ ثارالله، ۱۳۸۷.
۱۷. حکیمی، اخوان؛ آرام، احمد، **الحیاه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام، بی تا.
۱۸. حیدری، مجتبی، **"تطبیق توصیه های تربیتی شهدا به والدین و فرزندان با آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)"**، پایان نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۳.

۱۹. خادمی، عین الله، "محبت به پیامبر و اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و روایات"، مجله رشد آموزش قرآن، ش ۵، ۱۳۸۳.
۲۰. خلیلی، مصطفی، نقش نماز در شخصیت جوانان، قم: نشر زائر آستان قدس، ۱۳۹۱.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.
۲۲. رستمی نسب، عباسعلی، فرزندگان کوی دوست، کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۹.
۲۳. رستمی نسب، عباسعلی، نماز، معراج شهید، کرمان: نشر بنیاد شهید و امورایثارگران، ۱۳۸۹.
۲۴. سیف الدینی، اشرف، نذر قبول (خاطرات شهید محمود اخلاقی)، کرمان: نشر اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، ۱۳۸۸.
۲۵. شریعتی، سید صدرالدین، "درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات"، ویژه نامه سبک زندگی، سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۹۲.
۲۶. شریفی، احمدحسین، همیشه بهار، قم: نشر معارف، ۱۳۹۲.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲.
۲۸. فکوری، اصغر، روز تیغ (خاطرات شهید علی ماهانی)، کرمان: نشر لشکر ۴۱ ثارالله، ۱۳۸۸.
۲۹. فکوری، اصغر، گردان عشق (خاطرات شهید احمد شول)، کرمان: نشر لشکر ۴۱ ثارالله، ۱۳۸۸.
۳۰. قائمی مقدم، محمد رضا، "روش الگویی در تربیت اسلامی"، قم: معرفت، ۱۳۸۹ ه، ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۸۵ ه، ش.
۳۲. نبی نژاد، محمدباقر، آثار عجیب نماز، قم: نشر زائر آستانه مقدسه، ۱۳۹۰.